

تاریخ-افسانه



■ ذبیح‌الله منصورى
■ سینه‌هه، قلعه الموت

«ذبیح‌الله منصورى» یکی از مترجمان و نویسندگان مشهور ایران است که بیشتر سراغ تاریخ رفته و البته کمتر واقعه تاریخی مستند ارائه کرده است. او در روزنامه کیهان به مدت ۶ سال پاورقی نوشته و چند کتاب هم نوشته است. می‌گویند او یک متن ۵۰ صفحه‌ای را گاه چندصد صفحه ترجمه کرده و برخی هم می‌گویند چه اشکالی دارد، وقتی جمع بزرگی از ایرانی‌ها را کتاب‌خوان کرده است...

پلیسی‌ها در مطبوعات



■ پرویز قاضى سعید
■ کارآگاه لاوسون

«پرویز قاضى سعید» رمان‌نویس، پاورقی‌نویس و اواخر عمرش مفسر سیاسی بود. قاضى سعید نویسنده‌ی را از ۱۷ سالگی آغاز کرد و بیشتر در سبک پلیسی و جنایی در مجله اطلاعات دختران و پسران داستان‌های پلیسی و عاشقانه می‌نوشت. او در داستان‌های خود شخصیتی کارآگاهی به نام «لاوسون» را خلق کرد که محبوبیت فراوانی یافت. اغلب آثار او در قالب کتاب منتشر شده و در رده پرفروش‌ها قرار گرفتند.

عاشقانه‌های ر. اعتمادی



■ ر. اعتمادى
■ اتوبوس آبی، بازی عشق

«ر. اعتمادی» یا «رجب‌علی اعتمادی» هم یکی از پاورقی‌نویسان بوده است. او هنوز در ایران زندگی می‌کند و به‌تازگی هم رسانه‌ها برای گفت‌وگو زیاد سراغش می‌روند. او به خاطر نوشتن رمان‌های عامه‌پسند و پرفروش شهرت دارد و اغلب این رمان‌ها هم ابتدا در قالب پاورقی‌ها منتشر می‌شده‌اند. به گفته خودش، ۲۸ کتاب اعتماد دارد که ۱۸ تایی آن‌ها قبل از چاپ به صورت پاورقی هفتگی در مجله اطلاعات هفتگی و جوانان منتشر شده‌اند.



نامه‌های خود به تشویق و تحسین پاورقی‌نویسان در ستون خوانندگان می‌پرداختند، بعدها خود از نویسندگان بنام ایران شدند. شهرنوش پارسی‌پور، غزاله علیزاده، مرادی کرمانی و جمشید اسماعیلی، از جمله این خوانندگان هستند. در میان پاورقی‌نویسان نام نویسندگانی چون سعید نفیسی که به گفته صادق هدایت، به گروه سبیه تعلق داشت و از جمله نویسندگان و ادبای کلاسیک ایران بود، با قصه «نیمه‌راه بهشت» نیز به چشم می‌خورد.

پاورقی، قبل و بعد از انقلاب

موجی برخاسته بود که خیال فروکش کردن نداشت. هر قصه‌ای که پرخواننده و پرفروش می‌شد، دیگران به تقلید از آن با نام‌هایی مشابه قصه خود را می‌ساختند و منتشر می‌کردند. به‌عنوان مثال، وقتی «امشب دختری می‌میرد» اروفتی کرمانی گل می‌کند، «حسین میرعابدینی» از منتقدان پاورقی می‌گوید: «نویسندگان مطمئن‌ترین و کوبیده‌شده‌ترین راه‌ها را می‌پیمایند و قالبی‌ترین شیوه‌ها را به کار می‌گیرند. هیچ چیز این داستان‌ها تا زگی ندارد. همه‌شان به سبکی همانند نوشته می‌شوند و شخصیت‌های سطحی را با احساساتی ساختگی درگیر حادثه‌پردازی‌هایی قراردادی می‌کنند.» او حتی دستورالعمل‌های اخلاقی در این‌گونه نوشتارها را سبب برانگیختن حسرت در ماندگان اداره امور روزمره نسبت به توفیق‌های عشقی و مالی قهرمانان می‌داند. پس از انقلاب، پاورقی‌ها از نشریات به کتاب‌های عامه‌پسند منتقل شدند. بامداد خماری فنانه حاج سیدجوادى، یکی از پرخواننده‌ترین این نوع داستان‌هاست. برخلاف دوران گذشته، بسیاری از نویسندگان داستان‌های پاورقی که البته از مطبوعات به کتاب‌ها منتقل شده است، زنان هستند. هر چند هنوز هم مردان در این عرصه حضور دارند، اما این حضور چندان پررنگ نیست و زنان گوی سبقت را از آن‌ها ربوده‌اند.



نخستین داستان پاورقی ایرانی، رمان نیرنگ سیاه یا کیناز سفید، اثر ملک‌الشعراى بهار است که در سال ۱۳۹۸ در نشریه ایران منتشر شده است؛ این موضوع که عده‌ای از پژوهش‌گران، رمان‌های «تهران مخوف»، اثر مرتضی مشفق کاظمی یا «ده نفر قلبیاش» اثر حسین مسرور را نخستین رمان‌های پاورقی ایران دانسته‌اند، فاقد دقت پژوهشی است

منتشرکرد. دابی جان ناپلئون این شانس را داشت که به تلویزیون راه پیدا کند. علت شهرت این اثر پزشک‌زاد که ارزشی هم‌سنگ با دیگر آثار او دارد، شاید همان تصویری شدن آن باشد. اما کسی که در صدر پاورقی‌نویسان جای می‌گیرد، حسینقلی مستعان است که با نام‌های مستعار انوشه، یکی از نویسندگان، ح.م. حمید، با طرح داستان‌های عشقی ساده، بیشترین تعداد خوانندگان، به‌ویژه زنان را به خود جلب می‌کند. البته مردان هم به دور از چشم زنان خود از مشتریان پروپاقرص این گونه داستان‌ها بودند. رابعه، دل بود که شیطان آمد، که عشق اول نمود آسان، از معروف‌ترین آثار او هستند. یکی از دلایل برگزیدن نام‌های مستعار برای این نویسندگان، نوشتن چند پاورقی در یک نشریه بود. بدین ترتیب خواننده تصور می‌کرد با نویسندگان متعدد پاورقی سروکار دارد. عده‌ای هم به خاطر مسائل سیاسی از نام مستعار استفاده می‌کردند؛ مانند محمد مسعود که «میم-دهاتی» امضا می‌کرد. فروش کم‌نظیر پاورقی‌های مستعان، نه‌تنها نشریات را به فکر تکاپو برای جلب پاورقی‌نویسان می‌اندازد، که نویسندگان را نیز تشویق به نوشتن این نوع داستان‌ها می‌کند. صدرالدین الهی که خود یکی از پاورقی‌نویسان مشهور آن زمان بوده، تحقیق جامعی درباره سیر پاورقی‌نویسی در ایران کرده است. او می‌گوید که دستمزد یک پاورقی‌نویس خوب خیلی بیش از دیگر نویسندگان در نشریات بود. به این ترتیب هم نشریات برای یافتن پاورقی‌نویسان سرودست می‌شکستند و هم نویسندگان در پی رقابت با یکدیگر بودند. پس از مستعان، اروفتی کرمانی با پاورقی «امشب دختری می‌میرد» و جواد فاضل با «عشق و اشک»، و «قلبی در موج خون» راه او را ادامه می‌دهند.

در میان پاورقی‌نویسان، تنها نام دوزن به چشم می‌خورد؛ فریده گلبو و لعبت والا. اما بسیاری از زنان و مردان پاورقی‌خوان که با